

معنی ابیات زیر را به فارسی روان برگردانید ؟

\* + گرم بین و لطف خداوندگار  
گنه بنده کرده ست و او شرمسار •  
جواب: تماشا کن که خداوند از روی بخشش و حرمانی چگونه در برابر گناهان بنده نشاید بیای چشم، نارای سوز

\* + حلاکتا ذکر تو گویم که نایابی و خوابی  
نجوم جز به همان ره که تو ام راه نایب •  
جواب: تمامی فرزندان مغول تسبیح خداوند هستند حق بنده تنها در راه خداوند قرار می گیرم که تنها اوست راهنما

\* + در عشق کسی قدم نهادی جان نیست  
با جان بودن به عشق دریا همان نیست •  
جواب: کسی که در رادی عشق پای گذارد گمان جان خویش نیست، کسی که در معاشق دارد در بندگی نخواهد بود

\* + در بیابان خشک و کرب رودان  
تشنه را در دهان چه در چه صدوف •  
جواب: کسی که در بیابان تشنه شده است، برایش فرقی نمی کند که در دهانی طلا باشد یا ماسه زیرا تنها آب -

\* + پیش از من و در بسیار بودند نفس بیفتند  
دیوار زندگی را زین گو باد کارال •  
جواب: این دنیا انال شای زیادی را در خود دیده است که آمده و رفته اند و نفس خود را از زندگی بردیوار این دنیا به باد کارکنان است

\* + بین نغمه محبت بعد از من و در ماند  
تا در زمانه باقی است آواز و باد و باران •  
جواب: آواز عشق و ملامت در دنیا همیشه باقی خواهد ماند، تا زمانی که زندگی در دنیا جاری است.

\* + صبر برداغ دل سوخته باید چون شمع  
لا اله الا الله حجت ترم که شدن آس آن نیست •  
جواب: برای اینکه بتوانی لایق هم نشینی با معشوق شدی، باید صبر باشی و خورل دل خورل هار آمل کنی

۲ معنی نثر زیر را به فارسی روان برگردانید.

۴ غرض باد صبا را گفته تا فرشی ز خوردین بگسترده و لایه ابر بهاری را فرموده تا نبات نبات در

۴ مد زمینی پرورده در دخشان را به خلعت ندر دوزی قباوی سبز و روق در بر گرفته و اطفال

۴ شاخ را به قدم مرسوم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده. عصاره تاملی به قدرت ارشید فالیق

۴ شده و کفم فریادی به ترسیمی تحمل باسق گفته.

جواب خداوند به باد صبا دستور داده تا گل ها و سبزه ها را شکوفه کند و به ابر بهاری نیر دستور داده تا لبها را

- راد زمینی پرورش دهد خداوند به عنوان هدیه ندر دوزی قباوی سبز رنگ از بر لبا را بر تن درخشان

- پوشانده است و به واسطه ی فراریدن فصل بهار شکوفه ها را همچون کلاهی بر سر شاخه های

- درخشان گذاشته است شیره انگور به واسطه قدرت خداوند به شیرینی صفا زود برتری تبدیل شده است و

- طعمه فرحان به واسطه فرجه و پرورش او به درخت فریادی بلند تبدیل شده است

۳ آرایه های ادبی را از متن بالا استخراج کرده و به صورت مختصر بنویسید:

- تافرش ز خوردین
- + استعاره مقصوره (استعاره از سبزه ها و لبها)
- قباوی سبز و روق
- + اضافه تشبیهی
- بر سر نهاده - در بر گرفته
- + خیاس نامصی
- گرفته و نهاده (اسم جمع) بر سر (جناس نامصی) فالیق را باسق (اسم جمع)
- فانی (عجاز از روزی) کیف (عجاز از دست)
- درخت، شاخ، تاک، نخل، فرجا (مراعات تقابله)
- واج آرایه عرفی

۴ واژه‌هایی محض شده نماز چه مفاهیمی هستند؟  
 ای مرغ سحر عشق زیروانه بیاموزد کال کوخته را جان شد را از نیامد  
 عاشق ظاهری عاشق واقعی

۵ انواع نثر را نام ببرید و مثالی بزنید؟

۱ نثر ساده یا مرسل: (نثری که فاقد آیه‌های لفظی پیچیده باشد) همانند قابوس نامه

۲ نثر مجمع زمت (دیوان آریه ادبی مانند سبع و مترادفات و تشبیهات و سه به گونه‌ای معادل وجود دارد همانند) کلید و حدیث

۳ نثر مصنوع و متکلف (به کار گرفتن آیه‌های ادبی مانند سبع چهار مترادفات و تشبیهات و توصیفات شایسته افراطی) همانند مرزبان نامه

۶ در جمله‌های زیر نقش دستوری واژه‌ها را بنویسید؟

الف: عشق آزاری است  
 نهاد مند مفعول اندازی

ب: برفی عاشق را دیوانه می‌پندارند  
 نهاد مفعول مند مفعول

پ: عشق حقیقی دل و جان را پاک می‌گرداند  
 نهاد مفعول مند مفعول

۷ مفهوم کنایه جمله های زیر را بنویسید ؟  
 الف: پیست دست داغ کردن (کنایه از عبرت گرفتن)  
 ب: سماق مکیدن (کنایه از انتظار رسیده شدن)  
 پ: چندمردم حلاج بودن (کنایه از توانایی انجام کاری را داشتن)

۸ مفهوم نشانه «ان» را در واژه های زیر بنویسید ؟  
 الف: باران (ازمانی)  
 ب: خندان (صفتی)  
 پ: خاوران (مکانی)  
 د: باکبان (نسبی)

۹ معنی لغات زیر را بنویسید ؟

وسیم : دارای نشانه پیامبری	فایق : برگزیده	تحفه : هدیه
ولیمه : طعامی که برای عزیزی می دهند	ارغمند : خوشگین	تیم : صاحب جمال
جسیم : خوشن اندام	تطاول : ستم	ضمار : مریض
	غایبی : نهای	استاره : مشهورت
	حزین : غم انگیز	آخته : بیرون کشیده
	روی : چاره	نمط : روش
	تاک : درخت انار	تضرع : التماس
	ازگار : زمان دراز	طیلسان : نری دراز
	گتته : باقی مانده	مماط : مریض
		هدیه : اشعار